

آن سیه چرده عالم

حافظ « غزلیات »

غزل شماره ۵۷

آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست
چشم میگون لب خندان دل خرم با اوست
گر چه شیرین دهنان پادشاهانند ولی
او سلیمان زمان است که خاتم با اوست
روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک
لاجرم همت پاکان دو عالم با اوست
خال مشکین که بدان عارض گندمگون است
سر آن دانه که شد رهن آدم با اوست
دلبرم عزم سفر کرد خدا را یاران
چه کنم با دل مجروح که مرهم با اوست
با که این نکته توان گفت که آن سنگین دل
کشت ما را و دم عیسی مریم با اوست
حافظ از معتقدان است گرامی دارش
زان که بخشایش بس روح مکرم با اوست